

# کتاب دانیال - شماره یکصد و بیست و سه

برده برداری از اهمیت نبوی دانیال ۱۱:۴۰

Jeff Pippenger

2024-03-08

آیهٔ چهل باب یازدهم دانیال یکی از ژرف‌ترین آیات کلام خداست، همان‌گونه که باب هشتم دانیال، آیهٔ چهاردهم نیز چنین است. نماد آیهٔ چهل رود دجله است و رود اولای نمایانگر باب هشتم دانیال، آیهٔ چهاردهم است.

آیهٔ چهل با این کلمات آغاز می‌شود: «و در زمان پایان»، و بدین‌سان به‌طور مشخص تعیین می‌کند که آغاز آیه به سال 1798 مربوط است. مهر پنجاه‌ویک واژهٔ این آیه در سال 1989 گشوده شد، زمانی که دریافت شد که آن‌ها فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در آن زمان را نشان می‌دهند. آن پنجاه‌ویک واژه در آیه، هم نمایانگر زمان پایان در سال 1798 هستند و هم نمایانگر زمان پایان دیگری در سال 1989. آفا و امگا امضای خود را بر این آیه گذاشت برای همه کسانی که مایل‌اند ببینند و بشنوند. زمان پایان جنبش‌های هر دو فرشتهٔ اول و سوم در همان یک آیه نمایانده شده است.

آیهٔ زیر مشخص می‌کند که چه زمانی نهاد پاپی، که به‌صورت پادشاه شمال بازنمایی شده، ایالات متحده، که به‌صورت سرزمین پرچال بازنمایی شده، را در هنگام قانون یکشنبه‌ای که به‌زودی در ایالات متحده برقرار می‌شود، فتح می‌کند. بنابراین، هرچند واژگان آیهٔ چهل «زمان پایان» در ۱۷۹۸ را به‌عنوان آغاز و «زمان پایان» در ۱۹۸۹ را به‌عنوان نقطهٔ پایان مشخص می‌کنند، واقعیت این است که تاریخ نبوی بازنمایی‌شده در آیهٔ چهل تا آیهٔ چهل‌ویک به پایان نمی‌رسد؛ پایان آن در آیهٔ چهل‌ویک است، هنگامی که پادشاه شمال سرزمین پرچال را فتح می‌کند. این بدان معناست که تاریخ از فروپاشی اتحاد شوروی در ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه نزدیک آیهٔ چهل‌ویک، بازنمای تاریخ ایالات متحده از دوران رئیس‌جمهور رونالد ریگان تا قانون یکشنبه نزدیک است. آن تاریخ شامل ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و پس از آن تا ساعت زلزله عظیم باب یازدهم مکاشفه می‌شود.

وقتی آن آیه برای نخستین بار از مهر گشوده شد، اعتراضی علیه این حقیقت مطرح شد که «ادعای پپنجر مبنی بر این‌که آن آیه نمایانگر تاریخ از ۱۷۹۸ تا قانون یکشنبه است، ادعایی پوچ است، زیرا آیات کتاب مقدس هرگز چنین دوره‌های طولانی از تاریخ را در بر نمی‌گیرند.» ما تا آن زمان به این مفهوم که آیا برای مدت زمانی که می‌توان در یک آیه گنجانده و مرزی وجود دارد یا نه، نیندیشیده بودیم؛ اما بلافاصله به یاد آوردیم که مکاشفه، باب سیزدهم، آیهٔ یازدهم همان تاریخ را مشخص می‌کند و آن را در یک آیه انجام می‌دهد. سرگذشت وحش زمین در سال ۱۷۹۸ آغاز شد و سخن گفتن این وحش مانند اژدها، در قانون یکشنبه‌ای که به‌زودی فرا می‌رسد، تحقق می‌یابد.

"و چون دستگاه پاپی، که از قدرت خود تهی شده بود، ناگزیر شد از آزار و اذیت دست بکشد، یوحنا دید که قدرتی نو سر برآورد تا پژواک صدای اژدها باشد و همان کار ظالمانه و کفرآمیز را ادامه دهد. این قدرت، آخرین قدرتی که قرار است بر ضد کلیسا و شریعت خدا جنگ کند، نمادش وحشی‌ای با شاخ‌های بره‌گون بود." نشانه‌های زمانه، ۱ نوامبر ۱۸۹۹.

اگر کسی بخواهد دقیق باشد، آیهٔ چهل تاریخ مربوط به سال 1798 را تا آیهٔ چهل‌ویک در بر می‌گیرد، و در آیهٔ چهل‌ویک «قانون یکشنبه» مشخص می‌شود؛ بنابراین، برخلاف آن‌که آیه در باب سیزده مکاشفه، آیهٔ چهل در واقع کمی کوتاه‌تر است، چون «قانون یکشنبه» در آیهٔ بعدی است، در حالی که در باب سیزده مکاشفه، از 1798 تا «قانون یکشنبه» در یک آیه آمده است. خواهر وایت به ما اطلاع

می‌دهد که «همان خط نبوت» که در کتاب دانیال است در کتاب مکاشفه پی گرفته می‌شود، و باب سیزده مکاشفه، آیه یازده، به راحتی کاملاً بر آیه چهل منطبق می‌شود، اگر بخواهید اصل «خط بر خط» را به کار ببندید.

وقتی اصل «خط بر خط» را به کار می‌گیرید، درمی‌یابید که بازنمایی آیه چهل از وحش زمین مکاشفه سیزده (ایالات متحده)، که در آیه چهل با «ارابه‌ها، کشتی‌ها و سواران» نشان داده شده، از یک وحش شبیه بره یا دو شاخ در سال ۱۷۹۸ به وحشی که مانند اژدها سخن می‌گوید در هنگام قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع تبدیل می‌شود، و نیز اینکه آن وحش شبیه به بره دو شاخ دارد.

آیه چهل همچنین نمایانگر هفتاد سال نمادینی است که در آن فاحشه‌ی صور به فراموشی سپرده می‌شود، زیرا آن هفتاد سال نمادین همچون روزهای یک پادشاه است، و پادشاه همان پادشاهی است. بر پایه آیه چهل و خط باب سیزدهم مکاشفه، آن پادشاهی نبوی کتاب مقدسی که در طول هفتاد سال نمادین باب بیست‌وسوم اشعیا حکومت می‌کند، همان وحش زمین است که دو شاخ قدرت دارد. وحش زمین با دو شاخ قدرت آغاز می‌شود که نمایانگر جمهوری‌گرایی و پروتستانیسم‌اند، اما هرچه تاریخ آیه چهل به تحقق خود در آیه چهل‌ویک نزدیک‌تر می‌شود، دو قوت نبوی آن آنگاه به‌عنوان «کشتی‌ها» (قدرت اقتصادی) و «ارابه‌ها و سواران» (قدرت نظامی) شناخته می‌شوند.

در طی هفتاد سال نمادین باب بیست‌وسوم اشعیا، روسپی‌ی صور که در آیه چهل پادشاه شمال است، فراموش می‌شود. اما سپس در پایان آن هفتاد سال نمادین، او بار دیگر با پادشاهان زمین زنا خواهد کرد، چنان‌که در تاریخ منتهی به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی رخ داد؛ زمانی که همه مورخان تأیید می‌کنند که رئیس‌جمهور ریگان برای سرنگونی اتحاد جماهیر شوروی، با ضد مسیح مذکور در نبوت‌های کتاب مقدس پیمانی پنهانی بست. در دوره منتهی به ۱۹۸۹، ریگان از پیش رابطه‌ای پنهانی و نامشروع را با آن مرد گناه آغاز کرده بود؛ از این‌رو نوازندگان بخت‌نصر شروع کردند به تمرین نغمه‌ای که آن روسپی فراموش‌شده آغاز به خواندنش کرده بود. خدمت جهانی بی‌سابقه پاپ ژان پل دوم، در همان تاریخ، آغاز «ترانه و رقص»ی بود که باعث شد «تمام جهان» «از پی وحش در شگفت روند».

آیه چهل همچنین نمایانگر تاریخ ادونتیسیم لائودیکی است؛ تاریخی که در سال ۱۷۹۸ با عنوان «ساردس» آغاز شد. سپس کسانی که در ساردس بودند نور مهرگشوده را پذیرفتند و آنگاه جنبش فیلادلفیا از ساردس بیرون آمد. وقتی جنبش فیلادلفیا نور سال ۱۸۵۶ را رد کرد، آن جنبش در ۱۸۶۳ از حالت یک جنبش به کلیسای لائودیکیه گذار کرد. از این‌رو مقدر است آن کلیسا در آیه چهل‌ویک، که همان قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع است، از دهان خداوند بیرون افکنده شود. آیه چهل نه تنها تاریخ ایالات متحده، بلکه تاریخ ادونتیسیم لائودیکی را نیز نمایان می‌کند.

ادونتیسیم لائودیکی نور الهی کلام خدا را برای نقطه اتکا و قوت خود دریافت کرد، و دولت ایالات متحده نیز نور الهی قانون اساسی ایالات متحده را برای نقطه اتکا و قوت خود دریافت نمود. هر دو در سال ۱۷۹۸ از نظر نبوی به صورت شاخ‌هایی آغاز شدند، و در پایان هفتاد سال نمادین، شاخ جمهوری‌خواه مرتد و شاخ پروتستان مرتد با هم یک شاخ خواهند شد و مانند اژدها سخن خواهند گفت.

دو شاخ آیه چهل، حکومت و کلیسای برگزیده‌اند که نماینده دو خط نبوت‌اند که با هم پیش می‌روند، زیرا به صورت دو شاخ بر یک وحش واحد نشان داده شده‌اند. هر جا که آن وحش می‌رود، آن دو شاخ نیز می‌روند و این در همان تاریخ نبوتی رخ می‌دهد. شاخ پروتستانیسم ماهیتی نبوتی دوگانه دارد که با لاودیکیه و فیلادلفیه نمایانده شده است. شاخ جمهوری‌خواهی نیز ماهیتی نبوتی دوگانه دارد که با احزاب سیاسی جمهوری‌خواه و دموکرات نمایانده شده است. مطابق باب هشتم دانیال، بخش دوم دوگانگی هر شاخ، دیرتر برمی‌آید و بلندتر می‌شود.

آنگاه چشمان خود را بالا بردم و دیدم، و اینک، قوچی با دو شاخ در برابر نهر ایستاده بود؛ و آن دو شاخ بلند بودند؛ اما یکی از دیگری بلندتر بود، و آن که بلندتر بود، دیرتر رویید. دانیال ۸:۳.

ویژگی‌های دوگانه هر شاخ در خط مسیح به وسیله صدوقیان و فریسیان به تصویر کشیده شده است؛ که در شاخ جمهوری خواه متناظر است با لیبرالیسم (حامی برده‌داری، دموکراسی، ووک ایسم و جهانی‌گرایی) و محافظه‌کاری (ضد برده‌داری، جمهوری مبتنی بر قانون اساسی، سنت‌گرایان، MAGA). ویژگی‌های دوگانه شاخ پروتستان متناظر است با فیلادلفیا و لائودیکیه. میان تقسیم هر دو شاخ به نمادی دوگانه، موازات کاملی وجود ندارد؛ زیرا نه لیبرالیسم پیشرو و نه ماگائیسیم محافظه‌کار در موضوع قانون یکشنبه در سوی درست قرار می‌گیرند، چراکه فریسیان و صدوقیان نزد صلیب با هم متحد شدند؛ اما در قانون یکشنبه‌ای که به زودی می‌آید و صلیب نمونه آن بود، لائودیکیه از دهان خداوند قی می‌شود، و آن‌گاه شاخ فیلادلفی چون بیرقی برافراشته می‌شود. با این همه، دوگانگی هر دو شاخ در مناقشه الهیاتی میان فریسیان و صدوقیان نمایان است، و رسول امت‌ها (پولس) در تاریخ مسیح، پیش‌تر فریسی فریسیان بود.

روش‌شناسی باران پسین، که «خط بر خط» است، وقتی به کار گرفته می‌شود، در آیه چهل نور عظیمی پدید می‌آورد. باب‌های دو تا هجده مکاشفه، همگی با آیه چهل هم‌راستا هستند. شهادت باب بیست‌وسه اشعیا درباره فاحشه صور با آن آیه هم‌راستاست. البته فقرات دیگری نیز هستند که باید با آیه چهل تطبیق داده شوند، اما شاید مهم‌ترین کاربرد «خط بر خط» درباره آیه چهل، خود آیه چهل باشد.

در آیه چهل، وقت پایان در سال 1798 و وقت پایان در سال 1989 هر دو بیان شده‌اند. این امر پژوهشگر نبوت را رهنمون می‌کند تا وقت پایان 1798 را بر وقت پایان 1989 منطبق سازد. وقتی چنین شود، تاریخ آیه چهل دو خط پدید می‌آورد که هر یک در 1798 آغاز می‌شود و تا قانون یکشنبه آیه چهل‌ویک که به زودی فرا می‌رسد ادامه می‌یابد. خطی که در 1798 آغاز می‌شود پیام درونی قوم روزهای آخر خدا را مشخص می‌کند، و خطی که در 1989 آغاز می‌شود پیام بیرونی قوم روزهای آخر خدا را در همان تاریخ مشخص می‌کند. از این‌رو آیه چهل در درون خود نمادپردازی همان رابطه نبوی درونی و بیرونی کلیساهای هفتگانه و مهرهای هفتگانه در کتاب مکاشفه را دربر دارد. و این پدیده نبوی در یک آیه، متشکل از پنجاه‌ویک واژه، به تصویر کشیده شده است!

میلریتی‌ها پیام درونی-بیرونی هفت کلیسا و هفت مهر را می‌شناختند، اما همچنین دریافتند که هفت شیپور نیز خط سوم حقیقتی را نمایندگی می‌کردند که عنصری از همان تاریخی بود که به وسیله هفت کلیسا و هفت مهر بازنمایی شده بود. شیپورها، چنان‌که میلر می‌گوید، «داوری‌های خاص»ی بودند که بر روم وارد آمدند. میلریتی‌ها می‌فهمیدند که داوری‌های خدا که به وسیله هفت شیپور نمایانده شده‌اند با تاریخ هفت کلیسا و تاریخ موازی هفت مهر پیوند دارند.

آیه چهل تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را دربرمی‌گیرد و بنابراین در آیه چهل، خط نبوتی هفت شیپور نیز هم‌راستا می‌شود. فرشته نخست در سال ۱۷۹۸ آمد تا گشایش داوری در سال ۱۸۴۴ را اعلام کند. آن داوری به داوری تحقیقی و داوری اجرایی تقسیم می‌شود. تاریخ آیه چهل، تاریخ داوری تحقیقی است و تاریخ آیه چهل‌ویک به بعد تا زمانی که میکائیل برمی‌خیزد و هفت بلای پایانی ریخته می‌شوند، تاریخ داوری اجرایی است.

داوری اجرایی زمانی آغاز می‌شود که ایالات متحده مانند اژدها سخن بگویند.

شاخ‌های بره‌سان و صدای اژدهاگون این نماد به تضادی چشمگیر میان ادعاها و عمل ملتی که بدین‌گونه نمایانده شده اشاره می‌کند. «سخن گفتن» یک ملت همان اقدام مقامات

قانون‌گذاری و قضایی آن است. با چنین اقداماتی، آن اصول لیبرال و صلح‌جویانه‌ای را که به‌عنوان بنیاد سیاست خود عرضه کرده است، عملاً تکذیب خواهد کرد. پیشگویی اینکه او «چون اژدها» سخن خواهد گفت و «تمام قدرت وحش نخستین» را اعمال خواهد کرد، آشکارا از رشد روح عدم مدارا و آزار و تعقیبی خبر می‌دهد که در ملت‌هایی که اژدها و وحش پلنگ‌سان نمایانگرشان بودند، آشکار شده بود. و این گفته که وحش دوشاخ «زمین و ساکنان آن را وا می‌دارد تا وحش نخستین را بپرستند» نشان می‌دهد که اقتدار این ملت برای تحمیل رعایت آیینی به کار گرفته خواهد شد که عملی در ادای احترام به پاپیت باشد. نبرد عظیم، ۴۴۳.

وقتی ایالات متحده «سخن می‌گوید» و قانون روز یکشنبه قریب‌الوقوع را به اجرا می‌گذارد، «صدای دوم» باب هجدهم کتاب مکاشفه با فراخواندن مردان و زنان به بیرون آمدن از بابل «سخن می‌گوید».

و صدای دیگری از آسمان شنیدم که می‌گفت: ای قوم من، از او بیرون آید تا در گناهانش شریک نشوید و از بلاهایش نصیبی نبرید. زیرا گناهانش تا به آسمان رسیده است و خدا معصیت‌های او را به یاد آورده است. او را همان‌گونه که به شما جزا داد، جزا دهید، و بر حسب اعمالش دوچندان به او بدهید؛ در جامی که پر کرده است، برایش دو برابر بریزید. مکاشفه ۱۸:۴-۶.

در آیهٔ چهل‌ویک، هنگامی که ایالات متحده سخن می‌گوید، کسانی که هنوز در محیط سه‌گانهٔ بابل مدرن هستند، وقتی «صدای دوم» مکاشفهٔ باب هجدهم سخن می‌گوید، از آن بیرون خوانده می‌شوند. آنان که سپس فراخوانده می‌شوند، در آیهٔ چهل‌ویک به‌صورت «ادوم، موآب و سرور بنی‌عمون» نمایانده شده‌اند. در این آیه، آنان که در نماد سه‌گانهٔ بابل مدرن نمایانده شده‌اند، از دست پادشاه شمال (قدرت پاپی) می‌گریزند. واژهٔ عبری «گریختن» به معنای «با لغزش رهایی یافتن» است و معنای درونی آن این است که این گریز از چیزی محقق می‌شود که پیش از گریز، گریختگان را در اسارت نگاه داشته بود.

او همچنین به سرزمین پرچال واد خواهد شد و بسیاری [از کشورها] سرنگون خواهند شد؛ اما اینان از دست او خواهند گریخت: یعنی ادوم و موآب و سران بنی‌عمون. او دست خود را نیز بر کشورها دراز خواهد کرد و سرزمین مصر نیز نخواهد گریخت. دانیال ۱۱:۴۱، ۴۲.

در آیهٔ چهل‌ودو، نهاد پاپی (پادشاه شمال) سومین مانع جغرافیایی خود را زمانی فتح می‌کند که مصر را، که نمادی از سازمان ملل متحد است، تصرف می‌کند؛ همچنان که در جشن تولد هیروودیس نشان داده شده، وقتی او در برابر رقص فریبکارانه سالومه (ایالات متحده)، دختر هیروودیس (نهاد پاپی)، تسلیم می‌شود. این مشخص می‌کند زمانی را که سازمان ملل متحد «ده پادشاه» مکاشفهٔ باب هفده (موافقت می‌کنند پادشاهی خود را برای یک ساعت به وحش بدهند. آن «یک ساعت» همان ساعت «زلزلهٔ عظیم» مکاشفهٔ باب یازده است، و همان «ساعت»ی که در آن فاحشهٔ بابل داوری می‌شود. در آیهٔ چهل‌ودو، مصر (سازمان ملل متحد) «نخواهد گریخت».

واژهٔ عبری ترجمه شده به «فرار» در آیهٔ چهل‌ودو با واژهٔ عبری آیهٔ چهل‌ویک متفاوت است. در آیهٔ چهل‌ودو، واژهٔ «فرار» به معنای «نیافتن رهایی» است، اما آیهٔ چهل‌ویک بیان می‌کند که کسانی که پیش از قانون یکشنبه قریب‌الوقوع دست در دست پاپیت داشته‌اند، سپس گویی از روی لغزندگی می‌گریزند. پیش از زمان بحران قانون یکشنبه، کسانی که در مشارکت بابل مدرن‌اند، اندیشهٔ شیطانی اینکه یکشنبه روز پرستش خداست را پذیرفته‌اند. وقتی نشان وحش تحمیل شود، شخص یا به هر دلیلی آن را می‌پذیرد، یا واقعاً باور می‌کند که چنین است. باور کردن آن، یعنی دریافت نشان بر پیشانی، و صرف پذیرش آن، یعنی دریافت نشان بر دست شما.

کسانی که در زمان قانون یکشنبه از دست دستگاه پاپی می‌گریزند، اندیشهٔ شیطانی اینکه روز عبادت خدا روز خورشید است را، درست در همان زمانی که ایالات متحده و سازمان ملل متحد با فاحشهٔ روم،

قدرت پاپی، پادشاه شمال، دست همکاری می‌دهند، رد می‌کنند.

پروتستان‌های ایالات متحده در دراز کردن دست‌های خود از فراز شکاف برای فشردن دست روح‌گرایی پیشگام خواهند بود؛ آنان از فراز ورطه نیز دست خواهند یازید تا با قدرت رومی دست بدهند؛ و تحت تأثیر این اتحاد سه‌گانه، این کشور در پایمال کردن حقوق وجدان پا جای پای روم خواهد گذاشت. مناقشه بزرگ، ۵۸۸.

مهم است که همان‌گونه که بررسی‌مان دربارهٔ آیهٔ چهل را پیش می‌بریم، زمانی را صرف تبیین ساختار شش آیهٔ پایانی باب یازدهم دانیال کنیم. پادشاه شمال، که همان روم مدرن است، برای استقرار بر تخت زمین سه مانع جغرافیایی را فتح می‌کند. همان‌گونه که روم بت‌پرست سه مانع جغرافیایی را فتح کرد و روم پاپی نیز چنین کرد، روم مدرن در آیهٔ چهل پادشاه جنوب (اتحاد جماهیر شوروی سابق) را فتح می‌کند، سپس در آیهٔ چهل‌ویک سرزمین جلال (ایالات متحده) را، و آنگاه در آیات چهل‌ودو و چهل‌وسه مصر (سازمان ملل متحد) را.

اما همان‌گونه که نقل‌قول پیشین از خواهر وایت نشان می‌دهد، ایالات متحده به‌طور هم‌زمان با پاپیت و سازمان ملل متحد هم‌پیمان می‌شود. اتحاد سه‌گانه اژدها، وحش و نبی کاذب در زمان قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع تحقق می‌یابد، هرچند دانیال، باب یازدهم، آیات ۴۱ تا ۴۳ این تسخیر هم‌زمان را به‌صورت ترتیبی ترسیم می‌کند. ترتیبی که ترسیم شده است نمایانگر جریان رویدادهاست، اما همه آنها در زمان قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع تحقق می‌یابند.

در همان زمان «صدای دوم» مکاشفهٔ هجده «سخن می‌گوید»، درست همان‌جا که ایالات متحده «سخن می‌گوید». خدا هر جا و هر گاه که شیطان سخن می‌گوید، سخن می‌گوید. در آیهٔ چهل‌وچهار، خبرهایی از مشرق و شمال پادشاه شمال را مضطرب می‌سازد و آخرین حمام خون پاپی آغاز می‌شود. آیهٔ چهل‌وچهار، همچون آیات چهل‌ودو و چهل‌وسه، در آیهٔ چهل‌ویک آغاز می‌شود، وقتی که فرشته نیرومند مکاشفه هجده، فراخوان خود را برای بیرون آمدن گله دیگرش از بابل آغاز می‌کند.

پیامی که او ارائه می‌کند، همان پیامی است که اسلام وای سوم را به‌عنوان ابزار داوری او و کیفر فاحشه بابل شناسایی می‌کند. اسلام به‌عنوان «اخبار مشرق» معرفی شده است و پاپیت (شاه جعلی شمال) نیز به‌عنوان «اخبار شمال» معرفی شده است. دانیال باب یازدهم آیهٔ چهل، داوری تحقیقی را مشخص می‌کند و آیات چهل‌ویک تا چهل‌وپنج، داوری اجرایی را مشخص می‌کنند.

در مقالهٔ بعدی به بررسی آیهٔ چهل‌م باب یازدهم دانیال ادامه خواهیم داد.

یک بار، هنگامی که در شهر نیویورک بودم، در هنگام شب فراخوانده شدم تا ساختمان‌هایی را ببینم که طبقه پشت طبقه به سوی آسمان بالا می‌رفتند. تضمین شده بود که این ساختمان‌ها ضدحریق‌اند، و آن‌ها را برای جلال دادن صاحبان و سازندگانشان برپا کرده بودند. این ساختمان‌ها بالاتر و باز هم بالاتر قد می‌کشیدند، و در آن‌ها گرانبهاترین مصالح به کار رفته بود. کسانی که این ساختمان‌ها به آنان تعلق داشت از خود نمی‌پرسیدند: «چگونه می‌توانیم به بهترین وجه خدا را جلال دهیم؟» خداوند در اندیشه‌هایشان نبود.

"با خود اندیشیدم: 'ای کاش آنان که بدین‌گونه اموال خود را سرمایه‌گذاری می‌کنند، مسیر خود را چنان که خدا می‌بیند، می‌دیدند! آنان پشت سر هم بناهای باشکوهی برپا می‌کنند، اما برنامه‌ریزی و تدبیرشان در نظر فرمانروای جهان هستی تا چه حد نابخردانه است. آنان با همه توان دل و ذهن خود در این نمی‌کوشند که چگونه می‌توانند خدا را جلال دهند. آنان این را، که نخستین وظیفه انسان است، از نظر دور داشته‌اند."

همزمان با برپا شدن این ساختمان‌های رفیع، مالکانشان با غرور جاه‌طلبانه شادمان بودند که پولی دارند تا آن را صرف ارضای نفس و برانگیختن حسادت همسایگان کنند. بخش بزرگی از پولی که بدین‌سان سرمایه‌گذاری کردند از راه اخاذی، از راه ستم بر تهیدستان به دست آمده بود. آنان فراموش کردند که در آسمان حساب هر معامله‌ای نگه داشته می‌شود؛ هر معامله ناعادلانه، هر عمل فریبکارانه، همان‌جا ثبت است. زمانی فرا می‌رسد که مردم در تقلب و گستاخی به نقطه‌ای می‌رسند که خداوند اجازه نمی‌دهد از آن فراتر روند، و خواهند دانست که بردباری یهوه حدی دارد.

صحنه‌ای که سپس در برابر دیدگانم گذشت، هشدار آتش‌سوزی بود. مردم به ساختمان‌های بلندمرتبه و ظاهراً ضدحریق نگاه کردند و گفتند: «آنها کاملاً ایمن‌اند.» اما این ساختمان‌ها چنان طعمه آتش شدند که گویی از قیر ساخته شده‌اند. خودروهای آتش‌نشانی برای مهار ویرانی کاری از دستشان برنمی‌آمد. آتش‌نشانان قادر نبودند دستگاه‌ها را به کار بیندازند.

به من گفته شده است که وقتی زمان خداوند فرا برسد، اگر در دل‌های انسان‌های مغرور و جاه‌طلب هیچ تغییری پدید نیامده باشد، مردم درخواست یافت که همان دستی که برای نجات نیرومند بود، برای نابود کردن نیز نیرومند خواهد بود. هیچ قدرت زمینی نمی‌تواند دست خدا را بازدارد. هیچ مصالحی را نمی‌توان در ساخت بناها به کار برد که آنها را از نابودی حفظ کند، آنگاه که زمان مقرر خدا فرا رسد تا به سبب بی‌اعتنایی آنان به شریعت او و جاه‌طلبی خودخواهانه‌شان، کیفر خود را بر آنان فرو فرستد.

افراد زیادی نیستند، حتی در میان مریبان و دولتمردان، که علل نهفته در پس وضعیت کنونی جامعه را درک کنند. کسانی که زمام حکومت را در دست دارند، از حل مشکل فساد اخلاقی، فقر، بی‌نوایی و افزایش جرم و جنایت ناتوان‌اند. آنان بیهوده می‌کوشند فعالیت‌های اقتصادی را بر پایه‌ای محکم‌تر استوار کنند. اگر مردم به تعالیم کلام خدا توجه بیشتری می‌کردند، برای مسائلی که آنان را سردرگم می‌کند راه‌حلی می‌یافتند.

کتاب مقدس وضعیت جهان را درست پیش از بازگشت دوم مسیح توصیف می‌کند. درباره کسانی که با سرقت و اخاذی ثروت‌های عظیم می‌اندوزند، چنین نوشته شده است: «شما برای روزهای آخر گنج انباشته‌اید. اینک، مزد کارگرانی که مزارع شما را درو کرده‌اند و شما آن را با فریب از آنان بازداشته‌اید، فریاد می‌زند؛ و فریادهای دروگران به گوش خداوند لشکرها رسیده است. شما بر روی زمین در ناز و نعمت زیسته‌اید و خوشگذرانی کرده‌اید؛ دل‌های خود را گویی در روز کشتار فریه کرده‌اید. عادل را محکوم کرده و کشته‌اید؛ و او در برابر شما مقاومت نمی‌کند.» یعقوب ۳:۵-۶.

اما چه کسی هشدارهایی را که نشانه‌های زمانه، که به سرعت در حال تحقق‌اند، می‌دهند، می‌خواند؟ این هشدارها چه تأثیری بر دنیاپرستان دارد؟ چه تغییری در نگرش آنان دیده می‌شود؟ نه بیشتر از آنچه در نگرش ساکنان دنیای نوح دیده شد. غرق در کسب‌وکار و لذت‌های دنیوی، مردم پیش از طوفان «ندانستند تا آن‌گاه که طوفان آمد و همه را با خود برد.» متی ۲۴:۳۹. آنان هشدارهایی آسمانی داشتند، اما نخواستند گوش فرا دهند. و امروز نیز جهان، بکلی بی‌اعتنا به ندای هشداردهنده خدا، با شتاب به سوی هلاکت ابدی می‌شتابد.

جهان با روح جنگ برانگیخته شده است. پیشگویی باب یازدهم کتاب دانیال تقریباً به تحقق کامل خود رسیده است. به زودی صحنه‌های گرفتاری که در پیشگویی‌ها از آنها سخن رفته، رخ خواهند داد.

شهادت برای کلیسا، جلد نه، صفحه یازده.